



۲۵۸۶۵

۱۳۷۵ / ۴ / ۲۰



دانشگاه فردوسی

دانشکده ادبیات

موضوع:

گویش تاتی (طالقانی)

روستای شهراسر

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رضا زمردیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر نادر جهانگیری

دانشجو:

محمدرضا نورشمس

۱۲۷۷۲/۲

پاییز ۱۳۷۶

۲۵۸۶۵

"بسمه تعالی"

صورت جلسه دفاعیه، شماره،

جلسه دفاعیه، پایان نامه، تحصیلی آتامی محمد رضا نورمحمدی
دانشجوی کارشناسی ارشد

زبانشناسی تحت عنوان: توصیف گویش تاتی (طالوتی) که استاد راهنمای آن

آقای دکتر رضا نورمحمدی و استاد مشاور آقای دکتر نادر محمدی

و استاد منتخب گروه (استاد مدعو) آقای دکتر مهدی شکوه ابرینی می باشند

در روز دوشنبه ۱۳۸۲/۲/۲۷ باحضور آقایان: دکتر مهدی شکوه ابرینی، دکتر نادر محمدی و دکتر رضا نورمحمدی

به عنوان هیأت داوران در تالار اجتماعات استاد فقید دکتر احمد علی رجائی برگزار گردید.

ابتدا آقای محمد رضا نورمحمدی
خطابه، دفاعیه خود را خواند و سپس هیأت داوران تذکرات

و راهنماییهای علمی خود را در باره، محتوای پایان نامه ابراز نمودند. آنگاه پس از استماع توضیحات

و دفاعیات دانشجوی، داوران نظر خود را به شرح زیر اعلام داشتند:

پایان نامه، آتامی محمد رضا نورمحمدی
پس از بحث و تبادل نظر در باره، محتوای آن

ارزیابی و پذیرفته اعلام گردید و نامبرده
بانمره ۱۵ (پانزده)

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی شناخته شد.

استاد منتخب

استاد مشاور

استاد راهنما



فرم چکیده پایان نامه تحصیلی (کارشناسی ارشد)	دفتر معاونت تحصیلات تکمیلی دانشگاه
نام خانوادگی دانشجو: نورشمس	نام: محمدرضا
عنوان پایان نامه: گویش تاتی (طالقان)	
استاد راهنما: جناب آقای دکتر رضا زمردیان	استاد مشاور: جناب آقای دکتر نادر جهانگیری
دانشکده: ادبیات فردوسی مشهد	رشته: زبانشناسی
گرایش: زبانشناسی	
تاریخ دفاع: ۷۷/۲/۲۲	تعداد صفحات: ۱۳۳
کلیدواژه‌ها: (واژه‌هایی که بیانگر موضوع‌های پایان نامه است)	

چکیده " حداکثر ده سطر تایپ شود"

This project is about Tati dialect which is spoken in many vilages and cities in various parts of the centre and North west of Iran. Tati has some dialects wich Taleqani is one of them. The root of it goes back to the mâd tribes wich settled on the centre and North west of Iran. This study and research has been done on syntax and phonology and morphology of this dialect and also some sentences and words of it have been gathered.

This thesis is in six parts. At first, There is a summary about the history and geography of Taleqan and also a background of the language and then the parts begins with:

- 1- Phonology
- 2- Sound changes and processes
- 3- Morphology
- 4- Construction of the verb
- 5- Syntax
- 6- Construction of the words

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- مقدمه
۶	۲- اوضاع جغرافیایی
۶	۳- سابقه تاریخی
	بخش اول: واج شناسی
۸	۱-۱- استخراج واجها
۸	۲-۱- توصیف صامتها
۱۵	طبقه‌بندی صامتها
۱۸	۳-۱- مصوتها
۲۱	۴-۱- واکلهای مرکب
۲۲	۵-۱- واحدهای زیر زنجیری
۲۲	۱-۵-۱- آهنگ‌گفتار
۲۳	۲-۵-۱- تکیه
۲۵	۶-۱- واج آرایبی
۲۵	۱-۶-۱- توزیع صامتها
۲۵	۲-۶-۱- خوشه‌های همخوانی
۲۷	۳-۶-۱- توزیع مصوتها
۲۷	۷-۱- ساختمان هجا
	بخش دوم: فرآیندهای آوایی
۲۹	۱-۲- برخی فرآیندهای آوایی
۳۴	۱۹-۲- قلب
۳۵	تغییرات در مصوتها
۳۸	۳۲-۲- تشدید
	بخش سوم: ساخت واژه
۳۹	۲-۳- مفرد و جمع

۴۱ ۳-۵-اضافه
۴۳ ۳-۶-معرفه و نکره
۴۴ ۳-۷-صفت
۴۹ ۳-۸-قید
۵۱ ۳-۹-ضمیر
۵۳ ۳-۱۰-حروف اضافه
۵۴ ۳-۱۱-حروف ربط
۵۴ ۳-۱۲-جنسیت

بخش چهارم: ساختمان فعل

۵۵ ۴-۱-۱-فعل ساده
۵۵ ۴-۲-۱-فعل پیشوندی
۵۵ ۴-۳-۱-فعل مرکب
۵۶ ۴-۲-توصیف ساختمانی فعل
۶۵ ۴-۳-عامل سببی
۶۵ ۴-۴-پیشوندهای فعلی
۶۷ ۴-۵-افعال معین
۶۹ ۴-۵-۷-افعال شبه معین
۷۰ ۴-۶-ساختمان فعل امر
۷۱ ۴-۷-نشانه نفی
۷۲ ۴-۸-تصریف افعال در زمانهای مختلف
۷۲ ۴-۸-۱-مضارع اخباری
۷۴ ۴-۸-۲-مضارع التزامی
۷۵ ۴-۸-۳-حزن کامل
۷۷ ۴-۸-۴-مضارع مطلق
۷۸ ۴-۸-۵-مضارع استمراری
۸۰ ۴-۸-۶-مضارع بعید

- ۸۱ ۷-۸-۴- ماضی التزامی
- ۸۲ ۸-۸-۴- آینده

بخش پنجم: نحو

- ۸۳ ۱-۵- انواع جمله کوتاه
- ۸۳ ۱-۱-۵- جملات اسمی
- ۸۳ ۲-۱-۵- جملات فعلی
- ۸۳ ۳-۱-۵- جملات سه قسمی
- ۸۴ ۴-۱-۵- جملات چهار قسمی
- ۸۴ ۵-۱-۵- شبه جمله
- ۸۴ ۶-۱-۵- صوت
- ۸۴ ۲-۵- اقسام جمله از حیث مفهوم و چگونگی آن
- ۸۵ ۱-۲-۵- جمله خبری
- ۸۵ ۲-۲-۵- جمله امری
- ۸۵ ۳-۲-۵- جمله پرسشی
- ۸۵ ۴-۲-۵- جمله التزامی
- ۸۶ ۵-۲-۵- جمله تعجیبی

بخش ششم: ساختمان واژه

- ۸۷ ۱-۶- واژه ساده
- ۸۷ ۲-۶- واژه اشتقاقی
- ۸۷ ۱-۲-۶- پیشوندهای اشتقاقی
- ۸۸ ۲-۲-۶- پسوندهای اشتقاقی
- ۹۲ ۳-۶- واژه مرکب
- ۹۴ واژگان گویش
- ۱۱۲ جملات گوناگون
- ۱۳۳ کتاب شناسی

پیشگفتار

گویش مورد بررسی به دلیل نزدیکی و مجاورت طالقان به مازندران و گیلان نزدیک به طالشی و گیلکی می‌باشد، تا بدانجا که روستاها به میزانی که به مازندران و گیلان نزدیک تر هستند این شباهت بیشتر می‌باشد و نیز به دلیل رشد رسانه‌های گروهی و تحکیم و تثبیت زبان فارسی تهرانی در سراسر ایران به عنوان سیاستی کلی و در جهت وحدت ملی و نیز تحولات بعد از سال ۱۳۴۲ و جاده‌سازی، با فارسی تهرانی به طور روزافزون نزدیک می‌شود. این بدان معنی است که گویشی که بدان تاتی گفته می‌شود زبان یکپارچه و یکدستی نیست که در منطقه وسیعی به کار رود بالعکس تداخل لهجه‌ها به حدی است که حتی در خود همین روستاها، در شمال ده و جنوب ده، تفاوت در سبک و نیز واژگان را مشاهده کردم.

رودخانه شاهرود نیز که در طالقان جریان دارد به عنوان یک (isoglos) خط مرز زبانی عمل می‌کند.

به عبارتی دیگر گویشی که به عنوان تاتی در منطقه بسیار وسیعی از بعضی از روستاهای آذربایجان گرفته تا قزوین و طالقان و مناطقی دیگر شناخته شده است تا عدم درک کامل بین آنها و تفاوت‌های بسیار دستوری و آوایی پراکنده شده است. اینجانب بعد از این که واژه‌ها و جملاتی را از تعدادی از گویشوران پرسیده و ضبط نمودم براساس راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب آقای دکتر رضا زمردیان به انجام کار پرداختم. لازم به ذکر است که منظور از این رساله مطالعه و ثبت و ضبط گویش این روستا بوده و تطبیق و مقایسه آن با گویش و یا زبان دیگر و یا بررسی در زمانی لهجه تاتی مدنظر نبوده است.

مقدمه: معرفی گویش

گویشی که در این رساله بررسی می‌شود بنابر تحقیقاتی که دکتر احسان یارشاطر انجام داده است از جمله گویشهای تاتی^(۱) است.

بررسی این زبان به دلیل تحجر بسیار زیاد جوامع مربوطه جالب توجه می‌باشد. این مسئله ناشی از پرت افتادگی بسیاری از جوامع روستایی می‌باشد که در دل دره‌ها و کوهها پنهان می‌باشند اما باید توجه داشت که خصوصاً در دو دهه اخیر این جوامع روستایی دچار تحول و تغییر شده‌اند و به تبع آن تحول در شیوه زندگی و وضعیت اقتصادی، زبانشان نیز دچار تحول گشته و به لحاظ آوایی، واژگانی، نحوی تحت تأثیر زبان فارسی تهرانی قرار گرفته‌اند به نحوی که از بین رفتن کامل این گویشها و جایگزینی زبان فارسی تهرانی به جای آنها بزودی، شاید تا یکی دو دهه دیگر صورت خواهد گرفت. به عبارتی دیگر جوامع روستایی که در دل کوهها و قعر دره‌ها پنهان بودند و نیز در رکود و انجماد سیستم فتودالی بسر می‌بردند، و شیوه زندگی، طرز تفکر و نحوه معیشت آنها به مانند زندگی مردمان دهها قرن قبل بود و بالطبع زبان آنها نیز زبان مردمی بود که بیش از هزار سال پیش در آن روستاها زندگی می‌کردند، دچار یک دگرگونی بسیار شدید شده است. مهمترین ویژگی این گونه جوامع وابستگی کامل به شهرها می‌باشد، بالطبع زبان نیز که انعکاسی از زندگی مادی و وضعیت اجتماعی اقتصادی می‌باشد، دچار تغییری کیفی گردیده است.

دکتر احسان یارشاطر در دانشنامه ایران و اسلام، زبان کهن آذربایجان را آذری معرفی کرده و

۱- یارشاطر، احسان اطلس زبان‌شناسی

از این بابت اسناد معتبری نیز برشمرده است. ضعف تدریجی زبان آذری با نفوذ ترکان غز در قرن پنجم، هجری آغاز گردید. با ظهور سلاجقه و سپس ادامه سلطه اتابکان و حمله مغول و ترکمانان آق قویونلو زبان آذری متروک گردید، تا آنجا که برخی از خاورشناسان گزارشات تحریف شده ترکان را معتبر دانسته و زبان آذری را معادل ترکی پنداشته‌اند.^(۱) آذربایجان از دیرباز مسکن و سرزمین مادها بوده و هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد که پیش از هجوم ترکان اقوام دیگری فرهنگ و زبان خود را در آنجا گسترش داده باشند بدین اعتبار زبان آذری را می‌توان بازمانده زبان مادی دانست. با اینکه زبان آذری رو به نابودی رفته است اما هنوز دارای گویشهای متعددی است که در نواحی مختلف پراکنده است که یکی از آنها تاتی نامیده می‌شود.

این گویشها عموماً در روستاهای آذربایجان، جنوب و جنوب غربی قزوین سمنان، آشتیان، ماسوله، رودبار گیلان و رودبار الموت رواج دارند.

لازم به ذکر است که پهنه زبان آذری گسترده و مرزهای آن نامشخص است و همه بر آن متفق القول نیستند. برای مثال در کتاب زبان دیرین آذربایجان نوشته دکتر منوچهر مرتضوی آمده است که ظاهراً مرزهای زبان آذری را باید از زنجان تا تبریز و ارومیه و مرزهای ارمنستان و گرجستان دانست.

نیز «دشواری بررسی بدین معنی است که جز به مدد دقت‌های علمی و فنی خاص نمی‌توان مثلاً لری را از بعضی گویشهای آذری بخصوص زنجان تشخیص داد و به سادگی ممکن است

۱- دانشنامه ایران و اسلام ج اول - زیرمدخل آذری

اشتباه پیش آید مثلاً اردبیلی باگیلکی و طالشی و زنجان با قزوینی و رازی و گاهی لری و همدانی قابل اشتباه است.» معیارهای پژوهشگران برای شناسائی لجه‌ها و گویش‌ها عمدتاً معیارهای ساختمانی امکان تفهیم و تفاهم میان سخنگویان این لجه‌ها و گویش‌ها وجود تمایزات و تشابهات لغوی و ساختی میان آنها بوده است، اما در حال حاضر دسته‌بندی جدی و معتبری درباره لجه‌ها وجود ندارد و زبان‌شناسان به دسته‌بندی لجه‌های ایرانی و گویشهای فارسی نپرداخته‌اند. بدین ترتیب اظهارنظر دکتر احسان یارشاطر را در مورد ریشه زبان تاتی و ارتباط لجه‌های گوناگون آن را نمی‌توان به طور قطع و یقین معتبر شمرد. دیگر از گفته‌های دکتر احسان یارشاطر این است که زبان طالشی نیز از زمره زبانهای باستانی است که در آذربایجان وجود داشته است ریشه این دشواری از اینجا ناشی می‌شود که تمامی این زبانها و نیز بسیاری دیگر از زبانهای موجود، ایرانی می‌باشند که منشعب از چهار زبان مادی، اوستایی، سکایی، پارسی باستان هستند که آنها نیز بسیار به یکدیگر شبیه بوده و در واقع لجه‌های گوناگون یک زبان هستند. در نتیجه در تحقیقاتی که به عمل می‌آید، قاعده‌ای از زبان آذری ممکن است مخصوص زبان آذری نباشد و مشابهت‌های آن با لجه‌های دیگر ایرانی شمالی یا غربی مثلاً قزوینی و یا طالشی یاگیلکی قدیم یا رازی دلیل بر قرابت آنها با هم نباشد. برای مثال دکتر دارمس تتر زبان کردی را مشتق از زبان مادی می‌داند.^(۱) اما احسان یارشاطر کردی را از لجه‌های مادی نمی‌داند.

وی در مقاله‌ای بنام «زبانهای ایرانی الموت» در نشریه ایرانشناسی^(۲) تاتی را به مادها

۲- احسان یارشاطر ۱۳۴۶ صص ۱۶۹-۱۷۱.

۱- ص ۱۲۱ ج ۱ ایران باستان چاپ دوم.

نسبت می‌دهد، و بجا است اگر این زبانها را به عوض تاتی که نارساست و ظاهراً ترک زبانان مصطلح کرده‌اند مادی بخوانیم.

تردید نیست که لهجه‌های ایرانی این نواحی بجز فارسی و کردی بازمانده لهجه‌های مادهاست که تاکنون در نواحی دورافتاده و در پناه کوهستانها و یا در میان گروههایی که نیرو و استقلال فطری بیشتری داشته‌اند، دوام یافته است.»

سپس به جای واژه تاتی، این گویشها را تحت عنوان مادی به دو زیرگروه شمالی و جنوبی تقسیم‌بندی می‌کند گویشهای شمالی را آذری و گویشهای نواحی غربی و مرکزی (بغیر از کردی ولری) را فهلوی نامید.

نیز تقسیم‌بندی پنج‌گانه دقیق و منظمی از گویشهای تاتی در مقدمه کتاب دستور زبان گویشهای تاتی جنوبی^(۱) ارائه گردیده است که در ذیل نقل می‌شود:

۱- گروه اول شامل گویشهای جنوب قزوین و اشتهارد.

۲- گروه دوم که در خوتین واقع در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی زنجان و تعداد اندکی از روستاهای اطراف آن معمول است این گویش را بومیان ناحیه دی (di) می‌نامند.

۳- گروه سوم که در خلخال و طارم رواج دارند. این گروه خود دارای دو زیرگروه مهم بوده که زیرگروه گویشهای کرانی /Karâni/، کرنقی /Karnagi/، لردی /lardi/، دبزی /dizi/، کجلی /Kaĵâli/، گندم‌آبادی /gandom âbâdi/ در خلخال و گویشهای نوکیانی /nokiâni/

۱- احسان یارشاطر ۱۳۴۶ صص ۱۶۹-۱۷۱.

سیاورودی /siyavârudi/، هزاررودی /hazârrudi/، جمال‌آبادی /jamâlâbâdi/ در طارم‌علیا
بواسطه حضور جنسیت در زبان از گروه گویشهای اسکستانی /askestâni/ سبوئی /sabuyi/،
دروی /deravi/، کلوری /Koluri/، شالی /šâli/ در خلخال و کل‌سری /Kalsari/، شاوایی /šâvâyi/ و
چارزانی /cârzâni/ در طارم از یکدیگر مشخص می‌شوند.

۴- گویشهایی که در مناطق هرزند /harzand/ و دیزمار /dizmâr/ بدان سخن گفته می‌شود.

۵- گروه گویشهای شمال شرقی قزوین در کوهپایه و رودبار الموت.

براساس این تقسیم‌بندی منطقه طالقان جزو گروه پنجم بحساب می‌آید.

مختصری در مورد طالقان

الف - اوضاع جغرافیایی

گویی که در این رساله مورد بررسی قرار می‌گیرد مربوط به مردم ناحیه طالقان می‌باشد که مشتمل بر هشتاد پارچه آبادی است.

طالقان درّه بزرگی است که امتداد طولی آن از شمال شرقی به جنوب غربی است. در ته این دره از شمالی‌ترین نقاط آن رودخانه محلی یعنی شاهرود در جریان است و پس از پیمودن تمام طالقان در حدود طارم با قزل‌اوزن می‌پیوندد و به صورت سفیدرود از گیلان می‌گذرد و به دریای خزر می‌ریزد. در دامنه شمالی و جنوبی این رودخانه دهات طالقان پراکنده است. طالقان را به سه دسته یا ناحیه تقسیم می‌کنند. بالا طالقان کوهستانی و سردسیرتر است و نیز میان طالقان و هرچه به پایین طالقان نزدیک می‌شوید بجلگه نزدیک‌تر می‌شوید.

طالقان از شمال و مغرب به تنکابن و الموت محدود و از جنوب به ساوجبلاغ، کوههای شرقی طالقان متصل است به کوههای غربی جاده کرج به چالوس. دهی که گویش آن مورد بررسی قرار می‌گیرد شهر اسرنام دارد که در حدود صدوسی کیلومتری تهران واقع است و در پایین طالقان قرار دارد.

ب - سابقه تاریخی

«از وضع زندگی و اوضاع اجتماعی و دینی این گروه اطلاعات دقیقی در دست نیست. همین قدر معلوم است که قومی که به آنجا در هزاران سال پیش مهاجرت کردند، قومی چادرنشین

بودند و در درون غارها زندگی می‌کردند و غذای آنها از شکار حیوانات تأمین می‌شد و در

نوشته‌های مورخین مارد یا امارد نامیده می‌شوند.»^(۱)

۱- عصر اوستا: نوشته اشپیکل و دیگران: ج ۱ ص ۲۷۸.